



يك روزی تصميم گرفتم تا يك اذان يادگاری بگويم.  
در استودیوی ۶ صداوسیما، هر گوشه‌ای انداختم، نشد  
تا این که آن را در روح‌الارواح آواز بیات ترک به این شکل که  
بیش از ۵۰ سال پخش می‌شود، گفتم

## نظر اساتید موسیقی در مورد اذان رحیم مؤذن زاده

### در ستایش استاد

✎ **حسام‌الدین سراج:** «مرحوم مؤذن زاده با خاطره اذان برای مردم ایران

عجین شده است. دستگاهی که برای بیان این اذان انتخاب شده يك دستگاه ایرانی است و حال و هوای ویژه‌ای در مردم ایجاد می‌کند و آن دستگاه بیات ترک است. بی دلیل نیست که يك اثر ماندگار می‌شود. دلیل مهم آن این است که نیت صاحب اثر يك نیت پاک بوده.»

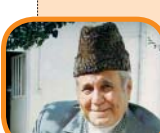
✎ **زنده‌یاد علی تجویدی:** «از این جهت حساب شده است که همه الحان در جایگاه خود اجرا شود. همیشه این اذان برایت تازگی دارد و گویا برای اولین بار است که نوای دلنشین آن را می‌شنوی.»

✎ **کیخسرو پورناظری:** «آثاری نظیر اذان مؤذن زاده آثار ماندگاری است که توانسته معنویت را با هنر موسیقی پیوند دهد. ارتباط آبا و اجداد هنرمندانی نظیر مؤذن زاده با پروردگار و متعاقباً ارتباط خالق این آثار با خداوند و مقوله‌های هنری منجر شد که چنین آثاری در وهله اول از وجود لایزال خداوند سرچشمه بگیرد.»

✎ **داریوش پیرنیکان:** «انتخاب آواز بیات ترک و گوشه روح‌الارواح، شیوایی سخن و صدای خوب، نشان‌دهنده آگاهی کامل مؤذن زاده است.»

✎ **فرهنگ شریف:** «آثار ماندگاری چون اذان مؤذن زاده اردبیلی به دلیل اشراف او بر موسیقی ایرانی و رعایت تمام تکنیک‌های آن و نیز پیوند دائمی صاحب اثر با منبع لایتناهی در اذهان تمام مخاطبان مانده است.»

✎ **سلیم مؤذن زاده:** «اذانی که ما می‌گوییم اقتباسی است از اخوی‌مان. درواقع ما قطره‌ای هستیم در برابر دریا.»



کسی نتوانسته روی این اذان من اذان بگوید؛ حتی برادرم سلیم که آن صدای گیرا و زیبا را دارد و این خواست خداست؛ همان خدایی که می‌گوید اگر با من يك صدايي كنيد، محبت شمارا به قلوب همه می‌اندازم.

البته ۲۰ سال پیش می‌خواستم يك اذان دیگر را به مدت ۱۵ دقیقه که در میان آن دعا هم هست، پرکنم اما نگذاشتند و گفتند که اذان ۶ دقیقه بیشتر نمی‌شود. استاد مؤذن زاده خرداد ۸۴ از این دنیا رفت، اما مدت‌های زیادی درگیر دردهای زیادی بود که سرطان برایش به وجود آورده بود. جعفر پسرش از بیماری پدر این گونه گفته که «بیماری پدر از سال ۷۴ شروع شد و در سال ۸۴ به اوج رسید. این اواخر، سرطان از مثانه به کلیه و کبد و ریه‌هایش هم رسیده بود. در تمام مدتی که مریض بود، اصلاً گله و شکایت نمی‌کرد.»

همسر آن مرحوم هم از روزهای بیماری مؤذن زاده تعریف می‌کند: «این اواخر خیلی مریضی کشید و همه‌اش بیمارستان بود. بیچاره اصلاً اهل غرزدن نبود. من بد اخلاقی می‌کردم؛ خب آدم باید راستش را بگوید؛ من هر چی می‌گفتم اصلاً حرفی نمی‌زد.» او پس از بازگشت از حج که آرزوی چندساله‌اش بود به دلیل پیشروی سرطان در بیمارستان بستری شد، اما دیگر کار از کار گذشته بود. ۶ خرداد ۸۴ رحیم مؤذن زاده از دنیا رفت.



۲۰ سال پیش  
می‌خواستم يك  
اذان دیگر را به  
مدت ۱۵ دقیقه که  
در میان آن دعا هم  
هست، پرکنم اما  
نگذاشتند و گفتند  
که اذان ۶ دقیقه  
بیشتر نمی‌شود

کاری کرده‌ام. ما که نه ثروت داریم، نه مکتب و همین يك اذان برایمان بهترین خیر است. در همین سال نام خانوادگی‌ام پیش مردم از مؤذن به مؤذن زاده اردبیلی تغییر کرد. «ملکه بخشش کن. همسر رحیم مؤذن زاده اردبیلی. تعریف می‌کند که حاج رحیم حدود سال ۱۳۳۰ به اردبیل می‌آید و از او خواستگاری می‌کند: «چهار ماه بود که پدرش فوت کرده بود. ما عروسی کردیم و آمدیم تهران. خانواده‌های ما با هم همسایه بودند و ساکن يك محله بودیم. به یکی از همسایه‌ها گفته بود که این دختر را برای من خواستگاری کن. من تا بعد از عقد ندیده بودم. من را در آشپزخانه پدرم عقد کردند و بردند خانه او. آنجا برای اولین بار دیدم. خودش می‌گفت قبلاً يك بار من را دیده بود.»

سال ۱۳۳۴ اذان معروف رحیم مؤذن زاده ضبط شده یعنی همین اذانی که امروز می‌شنویم همان نواری است که همان موقع رحیم مؤذن زاده گفته: «يك روزی تصميم گرفتم تا يك اذان يادگاری بگويم. در استودیوی ۶ صداوسیما، هر گوشه‌ای انداختم، نشد تا این که آن را در روح‌الارواح آواز بیات ترک به این شکل که بیش از ۵۰ سال پخش می‌شود، گفتم. ما ایرانی هستیم و اذان ما باید برخاسته از خودمان باشد. الان اذان خوان‌هایی هستند که از عربستان تقلید می‌کنند و این پسندیده نیست و خود ما باید ابتکار به خرج دهیم. الان ۵۰ سال است که



همسر  
رحیم مؤذن زاده:  
به یکی از  
همسایه‌ها  
گفته بود که این  
دختر را برای من  
خواستگاری کن.  
من تا بعد از عقد  
ندیده بودم. من  
را در آشپزخانه پدرم  
عقد کردند  
و بردند خانه او

## رحیم مؤذن زاده اردبیلی به روایت خود و اطرافیانش

# میراث خوش



ماه رمضان و غیر رمضان ندارد. صبح، ظهر یا شب هم تفاوتی نمی‌کند. درست لحظه‌ای که موقع اذان با سرگردانی پیچ رادیو را می‌چرخانی یا میان کانال‌های تلویزیون در حال جست‌وجو هستی، کافی است آن صدای محزون و رسا به گوشت برسد که می‌خواند «توکلت علی‌الحی الذی لا یموت...» تا مانند همیشه مبهوت و متأثر، دست از گشتن برداری و باز بخواهی لذت شنیدن این طنین را تا انتها تجربه کنی؛ لذتی که تکرارش جذاب است و تکراری شدنش محال. مرحوم رحیم مؤذن زاده اردبیلی بی‌شک ماندگارترین اذانی را به یادگار گذاشته که به گفته خودش کاملاً ایرانی بوده بی‌اغراق همچنان بی‌بدیل است. میان گفت‌وگوها و صحبت‌های گذشته ایشان و خانواده‌شان گشت زدیم تا به این بهانه یاد استاد را زنده کنیم که در تاریخ نامش

بهناز سعیدی  
خبرنگار

برای همیشه در فهرست جاودانه‌های موسیقی ثبت و ماندگار شده.

اول مهر ۱۳۰۴ در اردبیل به دنیا آمد. «زمانی که آن موقع‌ها در اردبیل شناسنامه می‌دادند، به تناسب شغل و حرفه، نام خانوادگی را انتخاب می‌کردند. به پدر بزرگم هم گفته بودند تو چکاره‌ای؟ گفته بود مؤذن. گفته بودند نام خانوادگی شما مؤذن است. در کودکی به مکتب‌خانه می‌رفتم و تحت نظر میرزا عزیز قرآن و دستگاه‌های موسیقی را یاد می‌گرفتم. در آن دوران ما عوض دبیرستان مکتب می‌رفتیم. همه هم متدین بودند.

خانواده‌ها در دوره ما در ابتدای امر، بچه‌ها را با قرآن مأنوس می‌کردند. ما هم پس از طی این مرحله، به مدرسه حاج ابراهیم آمدیم. طلبه بودیم به اصطلاح امروز ولی حین طلبگی، این اذان با ما همراه بود. پس از یاد گرفتن اصول نوحه‌خوانی و اذان‌گویی، با همراهی پدر در مسجد اردبیل به این کار مشغول شدم و گاهی برای خواندن يك نوحه به شهرهای اطراف خصوصاً تالش سفر می‌کردم.»

با آمدن پدرش به تهران، برای تحصیل حوزوی به قم می‌رود و ورودش به رادیو به واسطه پدرش بوده. «مرحوم پدرم سال ۱۳۲۲ برای نخستین بار اذان را رادیو گفت و همین روند تا ۱۳۲۶ که برنامه سحری را به صورت زنده اجرا می‌کرد، ادامه داشت. او در سال ۱۳۲۹ سکنه کرد و من قبول کردم جای او اذان بگویم تا الان که با این سن و سال هنوز مشغولم و افتخار دارم که با گفتن آن يك اذان، برای اسلام و مملکت